

بررسی مقایسه‌ای مراحل و ابعاد رشد انسان در قرآن کریم

زهرا سلمان^۱

چکیده

هدف این پژوهش بررسی مقایسه‌ای مراحل و ابعاد رشد انسان از دیدگاه قرآن کریم است به این منظور از کلام الله مجید و تفسیر المیزان و وسائل الشیعه و شرح ابی ابن الحدید و کتب روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی و سایر منابع علمی مرتبط به موضوع استفاده گردیده است. روش پژوهش تحلیلی - استنباطی و هرمنوتیک می‌باشد. واژه رشد، با مفهوم وسیعی که در روان شناسی رشد دارد شامل انواع تحولاتی می‌شود که در انسان چه در بعد فیزیکی و فیزیولوژیک و چه در ابعاد روانی و عقلی رخ می‌دهد. از آنجا که انسان هیچگاه ثابت نمی‌ماند و از لحظه انعقاد نطفه تا مرگ پیوسته در حال تغییر است. می‌توان گفت انسان دائماً در حال رشد است. پس ابتدا به بررسی واژه‌های مرتبط با موضوع پرداخته و رشد از دیدگاه اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس نظریه‌های موجود پیرامون انسان را از دیدگاه‌های مختلف بازگو نموده و نظر اسلام را با توجه به آیات قرآن کریم بیان می‌نماییم و در پایان هدف رشد از دیدگاه اسلام مطرح می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم؛ مراحل رشد، نمو، بالیدگی؛ ابعاد رشد؛ مفاهیم و دیدگاه‌های نظری درمورد انسان

مقدمه

در مطالعه فرآیند رشد واژه‌هایی به کار می‌رود که آگاهی از آنها یادگیری را آسان می‌کند. دو مفهوم اساسی که در این مقاله مورد بحث واقع می‌شود واژه‌ای «نمو»^۱ و «رشد»^۲ است. اگر چه رشد و نمو گاهی بجای یکدیگر به کار می‌روند، معنی «نمو»، افزایش کمی^۳ در اندازه است. هنگام صحبت از نمو جسمی مقصود افزایش توده یا اندازه جسم از طریق زیاد شدن واحدهای کامل زیستی است؛ یعنی واحدهایی که از پیش بخش‌های مختلف بدن را تشکیل داده‌اند (تیمیراس، ۱۹۷۲)؛ موضعی که اندازه هر واحد یا قسمت در کل زیادتر شوند، طول بدن با حفظ شکل خود، بیشتر می‌شود. نمو بر افزایش قد، وزن، یا اندازه فیزیکی دلالت می‌کند. به عبارت کلی تر، نمو بر تغییر فزاینده کمی در اندازه و ساختار اطلاق می‌شود که شامل افزایش قد، وزن، حجم، استخوان بندی و اندام‌های داخلی می‌شود. بعضی اوقات، نمو معطوف به افزایش میزان توانایی هوشی یا استعداد اجتماعی است (راجرز، ۱۹۸۲). دوره نمو جسمی (تغییر در اندازه مطلق) در انسان معمولاً از زمان لقاح تا سنین ۱۹ تا ۲۲ سالگی است. واژه «رشد» مکمل «نمو» است و دلالت بر فرآیند تغییری می‌کند که دائمی است و به ظرفیت عملی سازماندار و خاصی منجر می‌شود؛ یعنی حالتی که فرد می‌تواند به طور کامل نقش مورد نظر را انجام دهد (تیمیراس، ۱۹۷۲). رشد ممکن است به شکل تغییر کمی، کیفی یا هر دو روی دهد و می‌توان آن را به عنوان رشته‌ای فزاینده از تغییرات منظم و مرتبط تعریف کرد. بنابراین رشد حرکتی، فرآیندی سنی است که دائمی و دارای توالی بوده و در طی آن انسان از حرکات ساده به حرکات بسیار منظم، مهارت‌های پیچیده حرکتی و در نهایت به انطباق مهارت‌ها - که همراه با فرارسیدن پیری صورت می‌گیرد - پیشرفت کرده است.

بالیدگی یا رسش^۳: واژه دیگری که غالباً همراه با واژه نمو استفاده شده، بالیدگی است. نضج یا رسش یا بالیدگی به معنای رسیدن به حدی از توانایی عملی است که انجام یک الگوی رفتاری خاص را ممکن می‌سازد. بنابراین همیشه نضج باید به طور نسبی در نظر گرفته شود. این واژه به طور اخص مربوط به بالیدگی فیزیولوژیک یا جسمی است.

1. growth
2. development
3. maturation

بالیدگی جسمی پیشرفت کیفی در ساختارهای زیستی است و امکان دارد به یاخته، اندام با پیشرفت یک سیستم در ترکیبات بیوشیمیایی آن مربوط شود تا فقط به اندازه آن (تپیل، ۱۹۷۸). بالیدگی عموماً از پیشرفت در راستای بالیدگی جسمی ناشی می‌شود که در واقع حالت بهینه یکپارچه شدن سیستم‌های مختلف بدن یک فرد و توانایی برای تولیدمثل است.

دیدگاه طول عمر^۱؛ پیرشدن یا فرایند افزایش سن: تغییرات فیزیولوژیک در طول عمر اتفاق می‌افتد، اگرچه این تغییرات بعد از گذشت دوره نمو جسمی تا اندازه زیادی آهسته انجام می‌شود، واژه «پیرشدن»^۲ که در مقیاس وسیع استفاده می‌شود علیرغم سن تقویمی بر فرآیند نمو در پیری دلالت می‌کند. به طور اخص پیرشدن فیزیولوژیک ما را به تغییرات مداوم مولکولی، یاخته‌ای و ارگانیسمی ارجاع می‌دهد. تغییرات حاصل از پیرشدن بازتابی از وضعیت رشد قبلی است که بر تغییرات بعدی سایه می‌افکند. بنابراین پیرشدن جسمی از فرآیندهای رشد جدایی ناپذیر است (تیمیراس، ۱۹۷۲).

دوره‌های سنی: متخصصان رشد، دوره‌های سنی خاص را با طرح کردن خصلت‌های رشد و نمو که این دوره‌ها را از هم جدا می‌کند، توصیف می‌کنند. این دوره‌ها بندرت به طور آشکار از یکدیگر قابل تمایز هستند. غیر از وقایعی مانند تولد و آغاز دوره ماهیانه، دوره‌های سنی از یکدیگر جدا نیستند و این نشانه‌ای از ماهیت دائمی بودن رشد، نمو و بالیدگی است. در چند مورد، واژه‌های متداولی برای بیش از یک دوره از سن تقویمی به کار می‌رود. بعضی از دوره‌های سنی مانند دوره کودکی به دو بخش کودکی اولیه و ثانویه تقسیم شده است.

مراحل: متخصصان رشد هنوز تعریف استانداردی برای واژه «مرحله» ارائه ننموده و موارد استفاده از آن را معین نکرده‌اند، بنابراین آنها از این واژه به شیوه‌های مختلف استفاده می‌کنند. بیشتر متخصصان رشد بر این عقیده‌اند که «مراحل» باید تفاوت‌های کیفی را در رفتار کلی فرد توصیف کند. باوجود بعضی از آنها این واژه را موقعی به کار می‌برند که بخواهند تغییر رفتارهای فردی را توصیف کنند. در حالی که دیگران از این واژه برای توصیف تغییر در دو یا چند متغیری که به طور موازی در حال رشدند، استفاده می‌کنند. از این لحاظ، یک مرحله، مجموعه‌ای از رفتارها را وحدت می‌بخشد

(هویل، ۱۹۷۳).

رشد از دیدگاه اسلام: انسان از دیدگاه اسلام موجودی در حال رشد است که در دوران زندگی خود نیز از مراحل و دوره‌های مشخصی عبور می‌کند.

۱- مراحل رشد: خداوند در قرآن می‌فرماید: اوست خدایی که شما را از خاک بیافرید و سپس از قطره آب و آنگاه از خون بسته پس شما را از رحم مادر طفلی بیرون آورد تا آنکه به سن رشد و کمال برسید و باز پیر و سالخورده شوید و برخی از شما پیش از سن پیری وفات کنید و همه به اجل معین خود، تا مگر قدرت خدا را تعقل کنید. (سوره غافر آیه ۶۷).

این جمله ممکن است اشاره به قبل از رسیدن به مرحله پیری باشد یا اشاره به تمام مراحل خلقت انسان؛ یعنی قبل از رسیدن به هر یک از مراحل زندگی - مثل کودکی، جوانی یا پیری - امکان مرگ وجود دارد.

۱-۱ مراحل رشد قبل از تولد: همانا آدمی را از گل خالص آفریدیم، سپس او را نطفه گردانیده در جای استوار قرار دادیم، آنگاه نطفه را علقه و علقه را مضغه و مضغه را استخوان گردانیدیم. سپس بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم از آن پس او را به صورت خلقی دیگر بوجود آوردیم. آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده (سوره مؤمنون آیه ۱۲-۱۴).

۱-۲ مراحل رشد بعد از تولد: در قرآن دوران زندگی انسان بعد از تولد به سه دوره مشخص کودکی، بلوغ و پیری تقسیم شده است. ولی چون دوران مهم رشد و تربیت انسان در سال‌های کودکی و جوانی است احادیث فراوانی دوران رشد را بعد از تولد تا ۲۱ سالگی تقسیم بندی کرده و ویژگی‌هایی برای رشد و تربیت یادآور شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: کودک در هفت سال اول سید و آقا است، در هفت سال دوم روحیه اطاعت و فرمانبرداری دارد و در هفت سال سوم وزیر و مشاور است (وسائل الشیعه ج ۱۵، ص ۱۲۴).

۱-۲-۱ مرحله بعد از تولد: خداست آن کس که شما را ابتدا ناتوان آفرید، آنگاه پس از توانایی قوت بخشید، سپس بعد از قوت، ناتوایی و پیری داد هرچه بخواهد می‌آفریند و هم اوست دانای توانا (سوره روم آیه ۵۴).

۱-۲-۲ در خلقت فرد کاهش ایجاد می‌شود: ما هر که را عمر دراز دهیم، او را در خلقت دچار افت می‌کنیم؛ آیا نمی‌اندیشید؟ (سوره یس آیه ۶۸).

۳-۲-۱ سست شدن استخوان‌ها: گفت پروردگارا من استخوانم سست گردیده و موی (سرم) از پیری سپید گشته، و - ای پروردگار من - هرگز در دعای تو ناامید نبوده‌ام. (سوره مریم آیه ۴).

شناسایی دیدگاه‌های مختلف مربوط به رشد و نمو بسیار با ارزش است. این شناسایی به ما اجازه می‌دهد تا مواضع مختلفی را که برای مسائل حل نشده اتخاذ می‌کنند، بهتر بفهمیم. در این صورت بهتر می‌توانیم موضوعات بحث‌انگیز را از هم تفکیک و اطلاعات مختلف را طبقه‌بندی کنیم تا تصویر روشن‌تری از فرد در حال رشد به عنوان کُل در ذهن خود بسازیم؛ علاوه بر این، کمتر تحت تأثیر تعصب‌های خاص خواهیم بود.

دیدگاه‌های نظری: عوامل بسیاری را که به رشد کمک می‌کنند در نظر می‌گیریم؛ عواملی از قبیل زیستی، ادراکی و اجتماعی؛ حال آنها را با یکدیگر ترکیب می‌کنیم تا مفهومی کلی از رشد به دست آوریم. بیشتر متخصصان رشد در هر نوبت یکی از این جنبه‌ها را انتخاب و روی آن مطالعه می‌کنند. برای انجام این کار، آنها معمولاً چهارچوب مرجعی را که به آن دیدگاه نظری می‌گویند، انتخاب می‌کنند. اگرچه هیچ دیدگاهی نمی‌تواند تمامی جزئیات مربوط به رشد را دربر گیرد، پذیرفتن یک دیدگاه مزیت‌هایی دارد، زیرا به محقق اجازه می‌دهد تا مجموعه‌ای از فرضیه‌ها یا سؤالاتی را تعیین کند، به آنها ساختار دهد و تعریف کند. پذیرفتن یک دیدگاه، دانش و اطلاعات محقق را محدود می‌کند. تحقیقات انجام شده از دیدگاه مختلف، در پاره‌ای از مواقع نتایج متعارض به بار می‌آورد. آگاهی از دیدگاه‌های اصلی یا چهارچوب‌های مرجع در زمینه رشد کمک می‌کند تا بهتر بتوان توضیحات مربوط به رشد را فهمید. این دانش به ویژه وقتی بیشتر مفید است که دو یا چند توضیح با یکدیگر در تعارض قرار گیرند.

دیدگاه‌های زیستی در برابر دیدگاه‌های روان شناختی: معمولاً رشد از دو دیدگاه زیستی یا روان شناختی ملاحظه می‌شود. در دیدگاه نخست یعنی زیستی بخش‌های مختلف بدن و بافت‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این مطالعه در بعضی از اوقات در سطح سلول و در پاره‌ای از مواقع در سطح ارگانیسمی انجام می‌شود. در دیدگاه روان شناختی انسان در مقام یک موجود عاطفی و متفکر مطالعه می‌گردد (راجرز، ۱۹۸۲) که رفتار او بازتابی از فرایند رشد است. هر دو دیدگاه در مطالعه رشد حرکتی مهم هستند. استنباط کامل از رشد حرکتی مستلزم آگاهی از دانش مربوط به نمو جسمی است که

این امر شامل نمو سیستم‌های بدن و تغییرات سنی در برابر تقاضاهای فعالیت‌های شدید نیز می‌شود؛ بنابراین باید دیدگاه زیستی را بپذیریم تا از آن طریق بتوانیم درباره بسیاری از جنبه‌های رشد حرکتی مطالعه کنیم. درعین حال، مهم است که رفتار ناشی از تصمیمات و احساسات فرد را بفهمیم. چنین رفتاری در انتخاب فرد در مورد اینکه فعال باشد و به عملکردهای موفقیت آمیز برسد و نیز میزان مشارکت او نقش مهمی را بازی می‌کند؛ بنابراین باید دیدگاه روان‌شناختی را نیز پذیرفت تا بتوان سایر جنبه‌های رشد حرکتی را مطالعه کرد. سرانجام باید به افراد از دو دیدگاه زیستی و روان‌شناختی نظر کنیم؛ دیدگاه‌های زیستی و روان‌شناختی رشد، مکمل یکدیگر هستند، لذا توجه به هر دو نظر به ما برای شناخت بیشتر انسان کمک می‌کند.

نظریه‌های رشد در غرب: چهارچوب مرجع روان‌شناختی رشد شامل چندین دیدگاه نظری مهم است که کاربرد ضمنی برای رشد دارند از جمله :

الف - دیدگاه بالیدگی: که مؤلف آن گزل (۱۹۲۸ و ۱۹۵۴) می‌باشد و اصول پایه این دیدگاه عنوان می‌کند که «پدیدآیی فردی موجب بازپیدایی نوعی می‌شود». رشد سرانجام با توارث کنترل می‌شود. سیستم عصبی مرکزی سیستم اصلی کنترل کننده است. گزل بالیدگی را به عنوان فرآیند کنترل شده از طریق عوامل درونی (ژنتیکی) و نه خارجی (محیطی) بیان کرد. و چنین تصور می‌کرد که عوامل محیطی به طور موقت در میزان رشد تأثیر می‌گذارند؛ زیرا عوامل ارثی نهایتاً کنترل رشد را به عهده دارد.

ب - دیدگاه توصیفی: الف: (شاخه توصیفی - هنجاری) که پیشگامان آن اسپین شاد، گلاسو و راریک (دهه ۱۹۵۰) بودند و اصول پایه این دیدگاه بیان می‌کند؛ رشد حرکتی را می‌توان از طریق ضوابط گروه سنی توصیف کرد. ب: (شاخه توصیفی - زیست مکانیکی) از پیشگامان این دیدگاه گلاسو و هالورسون (دهه ۱۹۶۰) بودند و اصول پایه این دیدگاه بیان می‌کند که رشد حرکتی را می‌توان از طریق توالی پیشرفت در الگوهای حرکتی توصیف کرد.

ج - دیدگاه رفتاری (شاخه یادگیری اجتماعی): دیدگاه اصلی دیگر رشد، شامل نظریه‌های رفتاری یا محیطی است. چندین دیدگاه رفتاری مفصل وجود دارد. بیشتر آنها فرد را یک موجود واکنشی می‌دانند که تحت تأثیر محرک‌های خارجی است و نسبت به آنها از خود واکنش نشان می‌دهد. از این نظر، ارتباط محرک و پاسخ، واحدهای اساسی رفتار هستند. ایوان پاولف، جان واتسن، ادوارد ثورندایک، اسکینر و سیدنی باجو

همراه با دان بوئر از جمله روانشناسانی هستند که نظریه‌های اولیه رفتاری را طرح ریزی کردند. کار آلبرت باندورا (۱۹۷۷) بازتابی از حرکت دورشونده رفتارگرایان از ایده محدود انفعالی و واکنشی فرد است. وی معتقد است رفتار با تقویت‌های مستقیم و تقاییدی، شکل می‌گیرد. رفتارگرایان در مقابل طرفداران دیدگاه بالیدگی مثل گزل بر آثا نحیطی در رشد تأکید دارند. باندورا این اصل مسلم رفتاری را در حد متوسط می‌داند. او بر مفهوم تقابل بین فرد و محیط اصرار می‌ورزد.

د - دیدگاه شناختی: طرفدار اصلی این دیدگاه ژان پیاژه (۱۹۵۲) است و اصول پایه این دیدگاه پیرامون رشد، شامل عملکرد افراد بر روی محیط زندگی خود است. به نظر وی فرد و محیط بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند؛ به عبارت دیگر بین فرد و محیط تعامل روی می‌دهد. این موضع گیری در مقابل بیشتر نظریه‌های رفتاری قرار می‌گیرد (البته نه در مقابل نظریه یادگیری اجتماعی باندورا). به نظر پیاژه فرآیند رشد شامل نمو زیستی، تجارب کودکان و انتقال اجتماعی اطلاعات و نگرش‌های بزرگسالان بویژه والدین به فرزندان می‌شود. کودکان برای ایجاد حالت متعادل بین محیط و خود تمایل ذاتی دارند (سالکانید، ۱۹۸۱). یکی از مساعده‌های مهم پیاژه در زمینه مطالعات رشد، ایده «مراحل» است و آن زمانی است که تفکر و رفتار کودکان بازتابی از نوع معینی از ساختارهای اساسی باشد (میلر، ۱۹۸۳).

ن - دیدگاه پردازش اطلاعات: مؤلف این دیدگاه کانولی (۱۹۷۰) بود و اصول پایه این دیدگاه مبنی بر این است که اطلاعات از طریق زنجیره‌ای از عملکردها و دستکاریها منجر به پاسخ می‌شود (حرکت). در این دیدگاه پژوهشگران سعی می‌کنند رفتار را بر اساس فرآیندهای ادراکی - شناختی توضیح دهند. این دیدگاه بر اساس مدل کامپیوتر و مغز انسان طراحی شده است (کلارک و ویتال، ۱۹۸۹ الف). در چهارچوب این دیدگاه، برخی از متخصصان رشد نیز مطالعات خود را در زمینه رشد ادراکی - حرکتی در کودکان ادامه دادند. در دهه ۱۹۷۰ پژوهشگران توجه خود را بر قابلیت‌های حسی و ادراکی معطوف کردند و مدل پردازش اطلاعات را پذیرفتند (کلارک و ویتال، ۱۹۸۹ الف).

و - دیدگاه بومشناختی^۱: الف): (شاخه سیستم‌های پویا): مؤلف این نظریه کاگلر، کلسو و تروی (۱۹۸۰، ۱۹۸۲) بودند. اصول پایه این دیدگاه مبنی بر این است که

سیستم‌های بدن به طور همزمان خودسازمان می‌شوند و افراد از سیستم‌های هماهنگ تشکیل می‌شوند. رشد یک پدیده غیر مداوم است. سیستم‌های بدن با یکدیگر رشد نمی‌کنند. برخی به تندی بالیده می‌شوند و بعضی به کندی رشد می‌کنند. بسیاری از دیدگاه‌های رشد به موضوع سالمندان نمی‌پردازد، اما نظریه سیستم‌های پویا تغییرات سیستم‌ها را در پیری به اندازه پیشرفت‌های آن در دوره جوانی در نظر می‌گیرد. رفتار حاصل عملکرد کلیه سیستم‌های فرد است.

ه - دیدگاه بوم شناختی: (ب): (شاخه ادراکی - کنشی): مؤلف این نظریه گیبسون (۱۹۶۶ و ۱۹۷۹) بود و اصول پایه این دیدگاه نظری مبنی بر این است که محیط، حرکات معینی را برای افراد فراهم می‌کند. حرکت به طور مستقیم با سیستم عصبی مرکزی درک می‌شود. گیبسون چنین نظر داد که رابطه تنگاتنگی بین سیستم ادراکی و سیستم حرکتی وجود دارد. (رشد فرد بدون در نظر گرفتن محیط و تکلیف بی معناست؛ در واقع فرد و محیط و تکلیف در تعامل هم قرار دارند). نظریه‌های بوم‌شناختی بر کلیه سیستم‌های بدن و ماهیت جدایی ناپذیر فرد و محیط تأکید دارند.

مسائل معاصر: متخصصان رشد غالباً یک مسئله را با استفاده از پیش فرض‌های اساسی از تعارض نظریه‌های تئوریک مطالعه می‌کنند. برخی بر این عقیده‌اند که توارث در رشد اثر اصلی را دارد، لذا تحقیق خود را از دیدگاه انجام می‌دهند، در حالی که دیگران معتقدند محیط، عامل اثرگذار اصلی در رشد است. برخی از جنبه‌های رشد؛ عناوینی برای بحث و مناظره است از جمله:

- طبیعت در برابر تربیت: بعضی اوقات توارث در برابر محیط یا فطری گرایی در برابر تجربی نگری خوانده می‌شود. یکی از سؤالات اساسی انسان مربوط به منبع رفتارهای جدید است (تلن ۱۹۸۹). فطری گرایان مدعی هستند که رفتار جدید در ژنها ذخیره شده‌اند و با بالیدگی فرد ظاهر می‌شوند. تجربه گرایان می‌گویند جذب اطلاعات از محیط موجب بروز رفتارهای تازه می‌شود. امروزه تعداد کمی از نظریه پردازان، موضع افراطی یکی از این دو را پذیرفته‌اند؛ زیرا هیچکدام از این دو به طور انحصاری ثابت نشده‌اند؛ بنابراین توجه بیشتری باید به طرف مکانیزم‌های واسطه‌ای رشد معطوف شود (اندلرو همکاران، ۱۹۷۶)؛ یعنی اینکه سرشت و تربیت چگونه با یکدیگر تعامل پیدا می‌کند تا تغییرات رشد حاصل شوند؟ دیدگاه معاصر تصدیق می‌کند که محیط و توارث با یکدیگر عجین هستند و رفتار حرکتی متأثر از تعامل بین محیط و توارث

است.

به طور کلی می‌توان گفت عوامل زیستی نقش تعیین کننده تری در رشد طبیعی و کمی اعضاء و ساختارهای بدن، رشد عقل و هوش، رشد کنش‌ها و الگوهای عمومی رفتار، فراهم ساختن مواد خام برای یادگیری و تعیین توانایی‌های بالقوه، بر عهده دارد در حالی که عوامل محیطی در زمینه رشد اکتسابی، رشد کنش‌ها و مهارت‌های ویژه فردی، فراهم آوردن شرایط لازم برای شکوفایی استعدادها و تواناییهای بالقوه، و رشد آداب اجتماعی و رفتار اخلاقی سهم بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد. در آیات و روایات اسلامی ضمن اینکه از یک طرف نسبت به تأثیر عوامل محیطی به ویژه محیط اجتماعی بویژه محیط اجتماعی و یادگیری بر رشد اخلاقی و معنوی، و از سوی دیگر به نقش توانایی‌های ذاتی، داشته‌های فطری و نضج آنها در رشد این دو بعد توجه داده شده است، بر محدودیت میزان و قلمرو نفوذ هر یک و نیز تأثیر هر کدام از آنها در محدود کردن نقش دیگری تأکید شده است بنابر این می‌توان نتیجه گرفت که (۱) عوامل درونی مؤثر بر رشد، به عوامل زیستی محدود نمی‌شوند؛ (۲) به طور مطلق نه می‌توان عوامل درونی را عاملی تعیین کننده در رشد معنوی دانست و نه عوامل محیطی را، بلکه بسته به شدت و استمرار هر یک از دو عامل، میزان نقش آنها در رشد معنوی تعیین می‌شود (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه جلد ۱).

- دوره‌های حساس: یک دوره حساس یا بحرانی گستره زمانی است که در طی آن فرد بیشترین آمادگی را برای پذیرفتن اثر یک حادثه یا عامل آرام کننده دارد. این دوره ممکن است زمانی نباشد که یک واقعه مؤثر است، بلکه زمانی باشد که بیشترین احتمال برای تأثیرگذاری روی فرد وجود دارد.

شاید بتوان از آیات قرآنی چنین استفاده کرد که لااقل در رابطه با رشد اخلاقی و معنوی، گذشته از دوره‌های حساس، "خط بحران" هایی وجود دارد که هر چند مرزهایی سنی نیستند ولی هر کدام، حداقلها و حد نصاب هایی که برای رشد در برخی ابعاد اخلاقی و معنوی لازم است را تعیین می‌کند به گونه‌ای که اگر فرد از یک "خط بحران" پایین تر رود، استعداد رشد معنوی در بعضی جنبه‌ها و کسب برخی کمالات معنوی را از دست می‌دهد (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۱). قرآن کریم از این مرحله با تعبیری همچون مهر خوردن بر گوش و دل «سوره بقره آیه ۷»؛ یا محجوب شدن قلب «سوره بقره آیه ۱۸» یاد کرده است و در جایی نیز با اشاره به آخرین خط بحران، ویژگی‌های افرادی که به این حالت دچار شده‌اند را تکبر و خود بزرگ بینی بی جهت،

انکار آگاهانه نشانه‌های هدایت و رشد معنوی، و فراموشی عمدی آنها می‌شمارد و در نتیجه چنین پسرقتی را سیر نزولی مداوم و مسدود شدن راه پیشرفت معنوی، می‌داند «سوره اعراف آیه ۱۴۶». گذشتن از این خط بحران در شرایط ویژه‌ای منجر به هلاکت چنین شخص یا جامعه‌ای می‌شود که در قرآن شریف و روایات اسلامی نمونه‌های بسیاری برای آن ذکر شده است «سوره اعراف، آیات ۸۴، ۷۹، ۷۸، ۷۲، ۶۴، ۹۱ و ۹۲».

پیوستگی در برابر گسستگی: دلیل موجه برای آشکار شدن ناگهانی رفتارهای جدید و پیوستگی پیشرفت فرآیندهای رشد برای متخصصان رشد به صورت معما درآمده است (تلن و اولریخ، ۱۹۹۱). ظهور منقطع مهارت‌های جدید یک فرآیند گسسته است: کودک نشستن، ایستادن، راه افتادن و سخن گفتن را به طور غیرمنتظره شروع می‌کند؛ بنابراین می‌توان به رشد از جنبه مراحل نگریست که محور این رفتارهای تازه است. اغلب دلایل نظری رشد شامل ایده مراحل رشد می‌شود. افراد و سیستم‌های جسمی آنها به طور همزمان و پیوسته در حال تغییرند.

وجود آدمی پیوسته در حال تغییر است و هیچگاه حالت ایستایی پیدا نمی‌کند. این تحولات گاه در جهت پیشرفت فزاینده‌گی است و زمانی در جهت کاهش و فرسودگی. روانشناسان رشد که این استمرار را تنها در محدوده تجربیات خود مورد توجه قرار داده‌اند آن را تا قبل از مرگ دنبال کرده‌اند ولی اسلام از آنجا که ورای این محدوده را نیز به ما می‌شناساند تحولات روانی انسان را در بعد از مرگ نیز مورد توجه قرار داده است (در باره عدم امکان تغییر مسیر رشد معنوی، پس از مرگ به آیات ۹۲-۹۰ سوره یونس و آیه ۵۳ سوره اعراف مراجعه شود). از روایات اسلامی استفاده می‌شود که تحولات معنوی انسان پس از انتقال به عالم برزخ در همان مسیری که قبل از مرگ می‌پیماید (که بر اساس رفتارهای اختیاری انسان جهت صعودی یا نزولی آن تعیین شده است) استمرار می‌یابد (سید محمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان).

عمومیت در برابر تغییر پذیری: تناقض دیگر در رشد، حول و حوش موضوع عمومیت آن در مقابل اختلافات فردی دور می‌زند (تلن و اولریخ، ۱۹۹۱). اختلافات فردی در رشد وجود دارد. که متخصصان رشد باید بتوانند رفتار فردی را در چهارچوب رفتارهای عمومی و اختلافات فردی مورد توجه قرار دهند. تفاوت‌های فردی در میزان رشد، اکثراً در تمام مراحل رشد ثابت می‌ماند و پیش رسی یا دیر رسی در دستیابی به کمال رشد در یک بعد و در یک مرحله، غالباً در کل دوران رشد ادامه می‌یابد. میزان رشد در یک فرد در همه مراحل و سنین رشد، یکسان نیست. رشد کلی انسان در دوره

پیش زادی بگونه‌ای حیرت انگیز سریع است، پس از تولد عموماً به آهستگی می‌گراید، هنگام بلوغ با یک جهش ناگهانی به پیش می‌تازد، در بزرگسالی تقریباً متوقف می‌شود و در کهنسالی با شتابی کمابیش متفاوت رو به زوال می‌گذارد. در هر مرحله از رشد نیز ابعاد و جنبه‌های مختلف، به طور یکنواخت و هماهنگ رشد نمی‌کنند. حتی یک جنبه از رشد در اعضای مختلف، به طور یکسان رشد نمی‌کند (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه جلد ۱).

عوامل مؤثر در رشد از دیدگاه اسلام:

- توجه به عامل فطرت در رشد و تربیت انسان: از دیدگاه اسلام وجود فطرت مسلم و قطعی است. براساس فطرت الهی خلق شده است و دین اسلام هم دین فطرت است و به همین دلیل باقی و همیشگی است. فطرت همان سرشت انسان است و پیداست که سرشت اکتسابی نیست.
- عوامل ارثی (قبل از تولد) و تأثیر آنها در رشد: اسلام به عوامل ارثی و تأثیر آن در رشد انسان توجه خاصی دارد و مجموعه عوامل قبل از تولد، از قبیل نحوه انتخاب همسر، زمان ازدواج، زمان تشکیل نطفه و تأثیر عوامل ژنتیکی، ایام بارداری، هنگام تولد و زمان زایمان را در رشد و سلامت جسمی و روانی انسان مؤثر می‌داند و به آنها عنایت دارد.
- بررسی آیات قرآن کریم در موارد مذکور شامل:
 - ۱) خلقت آدم: در واقع مثل عیسی نزد خدا همچون مثل (خلقت) آدم است که او را از خاک آفرید؛ سپس به او گفت: «باش»؛ پس وجود یافت (سوره آل عمران آیه ۵۹).
 - ۲) تشکیل روح و بارداری: مگر شما را از خاکی آفرید، سپس آنرا در جایگاهی استوار نهادیم، تا مدتی معین، و توانا آمدیم، و چه نیک تواناییم (سوره مرسلات آیات ۲۰ تا ۲۳).
 - ۳) بارداری: و خدا (است که) شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه ای، آنگاه شما را جفت جفت گردانید، و هیچ مادینه‌ای بار نمی‌گیرد و بار نمی‌نهد مگر به علم او. و هیچ سالخورده‌ای عمر دراز نمی‌یابد و از عمرش کاسته نمی‌شود، مگر آنکه در کتابی (مندرج) است (سوره فاطر آیه ۱۱).
 - ۴) دمیده شدن روح: آنگاه او را درست اندام کرد، و از روح خویش در او دمید، و

برای شما گوش و دیدگان و دلها قرار داد؛ چه اندک سپاس می‌گذارید (سوره سجده آیه ۹).

۵) **لایه‌های جنین:** شما را از نفسی واحد آفرید، سپس جفتش را از آن قرار داد، و برای شما از دامها هشت قسم پدید آورد. شما را در شکم‌های مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی (دیگر) در تاریکی‌های سه گانه (مشیمه و رحم و شکم) خلق کرد. این است خدا، پروردگار شما (فرمانروایی و حکومت مطلق) از آن اوست (سوره زمر آیه ۶).

۶) **بدو خلقت:** ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته آفریدیم تا او را بیازماییم و وی را شنوا و بینا گردانیدیم (سوره دهر آیه ۲).

۷) **در لحظه تولد و شناخت:** و خدا شما را از شکم مادرانتان - در حالیکه هیچ چیز نمی‌دانستید - بیرون آورد، و برای شما گوش و چشم و دلها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید (سوره نحل آیه ۷۸).

- **تأثیر عامل خانواده بر رشد از دیدگاه اسلام:** از دیدگاه اسلام پدر و مادر مهم ترین نقش‌ها و وظایف را در رشد و تربیت کودک بر عهده دارند. اسلام از همان ابتدای تولد برنامه‌ها و دستورات خاصی را برای رشد و تربیت کودک تنظیم فرموده و اجرای آن را بر عهده والدین قرار داده است. اصولاً اسلام در مورد رشد و تربیت حقوق مسلمی را برای کودکان قائل است. اسلام در سراسر دوره کودکی و نوجوانی که مهم ترین دوران رشد و تربیت کودک است برنامه‌های خاص و سفارشات تربیتی بسیاری را در انتخاب اسم، در نحوه شیر دادن و از شیر گرفتن، در صحبت و مهرورزی به کودکان و در رعایت عدالت و وفای به عهد نسبت به آنها چه در دوره بلوغ و چه در دوره جوانی بیان فرموده است.

بررسی آیات قرآن کریم در موارد مذکور شامل:

۱) **شیر دهی:** و انسان را (نسبت به) پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد. و بارداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است، تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد، می‌گوید: پروردگارا بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادر من ارزانی داشته‌ای سپاس گویم و کار شایسته‌ای انجام دهم که آن را در خوش داری، و فرزندانم

را برایم شایسته گردان؛ در حقیقت، من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان پذیرانم (سوره احقاف آیه ۱۵).

۲) **بلوغ:** و یتیمان را بیازماید تا وقتی به (سن) زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد (فکری) یافتید اموالشان را به آنان رد کنید، و آن را (از بیم آنکه مبادا) بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. و آن کس که توانگر است باید (از گرفتن اجرت سرپرستی) خودداری ورزد؛ و هر کس که تهیدست است باید مطابق عرف (از آن بخورد)؛ پس هر گاه اموالشان را به آنان رد کردید برایشان گواه بگیرید، خداوند حسابرسی کافی است (سوره النساء آیه ۶).

عامل تفاوت‌های فردی و تأثیر آن بر رشد از دیدگاه اسلام:

– از دیدگاه اسلام افراد بشر خصوصیات و استعدادهای متفاوت دارند و هر کس از توانایی و ظرفیت معینی برخوردار است. اسلام وجود تفاوت‌های فردی را به عنوان یک امر مسلم و ضروری می‌پذیرد و آن را لازمه زندگی بشر می‌داند. بر این اساس در مورد رشد و تربیت کودکان نیز توجه به اصل تفاوت‌های فردی را مورد تأکید و اهمیت قرار می‌دهد و آن را از صفات خوب والدین به حساب می‌آورد. ایجاد تفاوت‌های فردی در میزان رشد حکمت‌هایی دارد و به سوی اهدافی جهت‌گیری شده است. از جمله این اهداف می‌توان، پوشیده شدن نقاط ضعف هر فرد توسط نقاط قوت افراد دیگر و امکان استفاده کامل از جهات برتری موجود در همه انسان‌ها را نام برد (سوره زخرف آیه ۳۲). همچنین اینگونه تفاوت‌ها میدان وسیعی برای آزمایش انسان‌ها فراهم می‌سازد تا مشخص نشود کدامیک، برتری خود در رشد یک بعد را وسیله‌ای برای رشد اختیاری خود قرار می‌دهد و چه کسی با سوء استفاده از اینگونه برتری‌ها، راه انحطاط معنوی خود را هموار می‌سازد (سوره انعام آیه ۱۶۵).

بررسی آیات قرآن کریم در موارد مذکور شامل:

۱) تفاوت‌های فردی:

اختلاف‌های کیفی میان مراحل مختلف رشد هم مطلبی است که از آیات و روایات اسلامی به خوبی قابل استفاده است. قرآن شریف می‌فرماید «و حال آنکه شما را به انحاء گوناگون آفریدیم» (سوره نوح آیه ۱۴). مفسر بزرگ قرآن، علامه طباطبایی (ره)

این آیه را از یک طرف ناظر به تفاوت‌های فردی میان انسان‌ها و از سوی دیگر اشاره به اختلافات کیفی میان مراحل مختلف رشد هر انسان می‌دانند.

(۲) هر کس بر اساس شخصیت عمل می‌کند: بگو هر کس بر حسب ساختار (روانی و بدنی) خود عمل می‌کند، و پروردگار شما به هر که راه یافته تر باشد داناتر است (سوره اسراء آیه ۸۴).

(۳) رشد معنوی انسان: بگو این حق است از سوی پروردگارتان، هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد (و این حقیقت را پذیرا شود)، و هر کس می‌خواهد کافر گردد (سوره کهف آیه ۲۹).

- ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس (سوره انسان آیه ۳).

قرآن شریف بویژه در رابطه با رشد معنوی، بر وجود اختیار تأکید کرده و حرکت اختیاری را مبنای رشد معنوی چه در جهت سیر صعودی چه در راستای سیر نزولی دانسته است.

(۴) قانون وسع: خداوند هیچکس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی‌کند. آنچه (از خوبی) به دست آورده به سود او، و آنچه (از بدی) به دست آورده به زیان اوست. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر (دوش) ما مگذار؛ همچنانکه بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند، نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ماتحمل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن (سوره بقره آیه ۲۸۶).

(۵) تفاوت جنسی: پس چون فرزندش را بزاد، گفت: پروردگارا من دختر زاده ام - خدا به آنچه او زایید داناتر بود - و پسر چون دختر نیست؛ و من نامش را مریم نهادم، و او و فرزندانش را شیطان رانده شده، به تو پناه می‌برم (سوره آل عمران آیه ۳۶).

(۶) حسابرسی: اما کسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود، گوید: بیایید و کتابم را بخوانید. من یقین داشتم که به حساب خود می‌رسم. پس او در یک زندگی خوش است. در بهشتی برین. که میوه هایش در دسترس است. بخورید و بنوشید، گواراتان باد، به (پاداش) آنچه در روزهای گذشته انجام دادید. و اما کسی که کارنامه اش به دست چپش داده شود، گوید: ای کاش کتابم را دریافت نکرده بودم. و از حساب خود خبردار نشده بودم. ای کاش آن (مرگ) کار را تمام می‌کرد. مال من، را سودی نبخشید.

قدرت من از (کف) من برفت (سوره حاقّه آیه ۱۹ الی ۲۹).

۷) **تفاوت شکل و سرشت:** خدا است آنکه می‌نگارد صورت شما را در رحم مادران هر گونه اراده کند (سوره آل عمران آیه ۶ سوره کهف آیه ۳۷).

– **عامل شیوه‌های تربیتی و برنامه ریزی برای رشد از نظر اسلام:** اسلام برای رشد و تربیت صحیح و مطلوب فرزندان راه عاقلانه و روش حکیمانه‌ای را توصیه می‌کند و معتقد است که فقط از این طریق سعادت و خوشبختی انسان فراهم می‌شود و یکی از این برنامه‌ها را استفاده از عامل تشویق و تنبیه می‌داند. رشد و تربیت کودکان و نوجوانان مستلزم برنامه‌های ویژه‌ای است و اسلام نیز به این منظور برنامه ریزی و بکار بردن روش‌های خاص تربیتی را ضروری می‌داند و معتقد است رفتار با کودکان با برخورد نسبت به بزرگسالان متفاوت است. از سوی دیگر اسلام سفارش می‌کند که پدران و مادران موظفند در تربیت فرزندان خود به مقتضیات زمان خود نیز توجه داشته باشند. و در تربیت آنها، شرایط و اقتضای محیط را نیز در نظر بگیرند. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: آداب و رسوم زمان خود را با فشار و زور به فرزندان خود تحمیل نکنید. زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما را آفریده شده‌اند (شرح ابی ابن الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷).

اهداف رشد از دیدگاه اسلام: از دیدگاه اسلام رشد معنای ارزشی و اخلاقی عمیق و گسترده‌ای دارد. این کلمه در متون اسلامی، معنای هدایت، نجات، صلاح و کمال یافتن است. بنا بر این از دیدگاه اسلام رشد در تعالی انسان جایگاهی والا و ارزشمند دارد و انسان در مسیر تعالی و کمال خویش می‌تواند به آن دست یابد، البته هر کس آسان به این جایگاه و مقام بلند نمی‌رسد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: هنگامی که خداوند خیر کسی را می‌خواهد او را در دین فقیه و آگاه می‌سازد و رشدش را به او الهام می‌کند. بنا بر این می‌توان گفت که رشد و تربیت از دیدگاه اسلام رشد و تربیت اخلاقی است و هدف اسلام این است که انسان را به جایگاه اخلاقی و ارزشی او برساند.

هدف نهایی دگرگونی‌های رشدی انسان، هر چه نزدیک تر شدن به کمال بی‌نهایت و رسیدن به مقام عبودیت است «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)» (سوره ذاریات آیه ۷۲) که در اسلام بیشترین توجه به آن شده است و در قرآن از درجات و مراحل مختلف این هدف یا

تعبیر مختلفی همچون: «رستگاری بزرگ»؛ «بهشت‌ها و باغهای جاویدان»؛ «به رضوان و خشنودی خداوند رسیدن»؛ «خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاودان (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر است و پیروزی بزرگ همین است» (سوره توبه آیه ۷۲)؛ و «به مقام قرب خاص خداوند دست یافتن»؛ «در جایگاه صدق نزد خداوند مالک مقتدر» (سوره قمر آیه ۵۵) یاد شده است.

منابع

قرآن کریم.

- سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۲۰. صفحه ۳۲.
- سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۶، ص ۱۶۵.
- ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی، قرآن حکیم و شرح آیات منتخب.
- وسائل الشیعه جلد پانزدهم.
- بحار الانوار، جلد سوم.
- نمازی زاده، مهدی و اصلانخانی، محمدعلی (۱۳۸۸)، «رشد و تکامل حرکتی در طول عمر»، انتشارات سمت چاپ هشتم.
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، «روان شناسی رشد ۱ با نگرش به منابع اسلامی»، انتشارات سمت چاپ پنجم تابستان ۱۳۹۰.
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، «روان شناسی رشد ۲ با نگرش به منابع اسلامی»، انتشارات سمت چاپ پنجم تابستان ۱۳۹۰.
- Good & Brophy, Education Psychology, 1990, p.34.
- Hurlock, Child Development. 1978, p23, & Developmental Psychology, 1959, p.4.
- Sandstron, Read, The Psychology of Childhood & Adolescence, 1973.p16.
- Timiras, P.S. (1972). Developmental Physiology and aging. New York, Macmillan.
- Teeples, J.B. (1978). Physical growth and maturation. In M.V. Ridenour (Ed.) Motor development: Issues and applications (pp.3.27) Princeton, NJ, Princeton Book.
- Howell, M. L., & MacNab, R.(1973). The Physical work capacity of Canadian children. Ottawa: Canadian Association for Physical Health Education and Recreation.
- Rogers, D. (1982). Life-span human development Monterey, CA: Brooks / Cole.
- Clark, J.E., & Whitall, J. (1989). What is motor development? The lessons of history. Quest. 41.183-202.
- Thelen, E., & Ulrich, B.D. (1991). Hidden skills Monographs of the Society for Research in Child Development. 56 (1 , Serial No.223).
- Endler, N.S., Boulter, L.R., & Osser , H. (1976). Contemporary issues in developmental psychology (2nd ed). New York: Holt, Rinehart, & Winston.

